



## Archaic Properties of Arabic Compared to Akkadian

Amin Shahverdi 

Ph.D in Philosophy, University of Isfahan. amin.shahverdy@gmail.com


### Abstract

In the paper, position of Akkadian and Arabic language among Semitic languages are determined and they are compared by linguistic factor. By means of distinguishing between temporal and linguistic priority, it is shown that a language could be older than other while former has preserved properties which the latter has missed them. In this paper, it is shown that Arabic temporally is posterior, but linguistically prior than to Akkadian. It means that some properties with origin of Proto-Semitic without changing are retained in Arabic and same properties have changed in Akkadian. Archaic properties of Arabic compared to Akkadian could be classified in two groups: (1) Phonemic properties and (2) Grammatical properties. Arabic language preserves Proto-Semitic phonemes: /θ/, /h/, /δ/, /š/, /θʷ/, /ʃ/, /g/, /h/ that disappeared completely in Akkadian language. On the other hand, these phonemes which have existed in Proto-Semitic gradually have changed to other phonemes in Akkadian, while they remained without any change in Arabic language. Most important grammatical properties which are maintained in Arabic language and disappeared in Akkadian language as follows: duality in personal pronouns (independent pronouns and affixes), duality in verbal conjugation (perfect and imperfect aspect). Final change that is studied in this paper is word order in the sentence. As with most Semitic languages, Arabic has maintained Proto-Semitic order VSO (verb-subject-object), while in Akkadian by influence of Sumerian language Proto-Semitic word order has changed to SOV (subject-object-verb).

**Keywords:** Akkadian, Proto-Semitic, Arabic, Linguistic Simplicity.



## بررسی تطبیقی ویژگی‌های کهن زبان عربی در قیاس با اکدی<sup>۱</sup>

امین شاهوردی 

دکترای فلسفه از دانشگاه اصفهان، پژوهشگر زبان و فرهنگ اکدی. amin.shahverdy@gmail.com

### چکیده

یکی از شیوه‌های مطالعه تطبیقی در حوزه زبان‌های هم‌خانواده، مقایسه تحولات آن‌ها با زبان مادری است که زبان‌های مورد بررسی از آن ریشه گرفته‌اند. عربی و اکدی هر دو از خانواده زبان‌های سامی بوده و ریشه مشترکی دارند؛ با این تفاوت که اکدی قدیمی‌ترین زبان سامی‌ای است که از آن شواهد نوشتاری موجود است و عربی زبانی است که از این حیث باید آن را زبانی نو در نظر گرفت. در این مقاله با بهره‌گیری از چنین روشی به مقایسه میان عربی و اکدی پرداخته شده و نشان داده شده است که عربی با آنکه زبانی نو محسوب می‌شود، همچنان ویژگی‌های زبانی‌ای را حفظ کرده است که زبان اکدی مدت‌ها پیش آن‌ها را از دست داده است. عربی واج‌های سامی آغازینِ ثاء، حاء، ذال، ضاد، طاء، عین، غین و هاء را حفظ کرده در حالی که اکدی، این واج‌ها را به‌طور کامل از دست داده است. در زمینه ویژگی‌های دستوری نیز عربی متأثر از سامی آغازین و برخلاف تحولات اکدی، همچنان شمار مثنی را در ضمایر شخصی و صرف افعال به کار می‌گیرد. در عین حال، اکدی برخلاف رده‌بندی سامی آغازین فعل - فاعل - مفعول که همچنان در عربی رایج است، از ساختار سومری فاعل - مفعول - فعل متأثر شده است.

**کلیدواژه‌ها:** اکدی، سامی آغازین، عربی، سادگی زبان‌شناختی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲

سپاسگزار دکتر عبدالمجید ارفعی هستم که اگر چیزی درباره‌ی اکدی می‌نویسم، به واسطه‌ی ایشان است. پر واضح است که مسئولیت همه‌ی آنچه در این مقاله آمده است، بر عهده‌ی نویسنده‌ی آن است.

## ۱. درآمد

ویژگی‌های مشترک میان عربی و برخی دیگر از زبان‌ها سبب شده است تا پژوهشگران این زبان‌ها را تحت عنوان «سامی»<sup>۱</sup> دسته‌بندی کنند. یکی از مهم‌ترین ویژگی زبان‌های سامی را می‌توان اشتقاقی بودن آن‌ها دانست. به عبارت بهتر، در این دسته از زبان‌ها، برای به دست آوردن کاربردها و معانی گوناگون، «ریشه» در قالب‌ها و کلیشه‌های مختلفی قرار می‌گیرد و از این راه بر گنجینه‌ی واژگانی این زبان‌ها افزوده می‌شود؛ میان خود زبان‌های سامی که تعداد قابل توجهی از زبان‌ها را در برمی‌گیرند، تفاوت‌های زیادی وجود دارد و بر اساس همین تفاوت‌ها می‌توان زبان‌های مختلف سامی را در دسته‌های و زیرشاخه‌های فرعی مختلفی قرار داد.

در این مقاله، سعی شده است تا نشان داده شود که تقدم و تأخر زمانی و زبانی لزوماً بر یکدیگر منطبق نیستند و ممکن است زبانی که به لحاظ زمانی جدیدتر از زبانی هم‌خانواده با آن است، ویژگی‌هایی زبانی را حفظ کرده باشد که زبان هم‌خانواده مدت‌ها پیش آن‌ها را از دست داده است. مقایسه زبان عربی و اکدی در این زمینه، می‌تواند بسیار جالب توجه باشد. عربی، زبانی است که شواهد زبانی آن قرن‌ها پس از اکدی، ظاهر می‌شود اما چنانکه در ادامه این مقاله خواهد آمد، ویژگی‌هایی را در خود حفظ کرده است که زبان اکدی مدت‌ها پیش، آن‌ها را از دست داده است.

## ۲. زبان‌های سامی

شبهات‌ها و تفاوت‌های میان زبان‌های گوناگون سامی از دیرباز برای بسیاری از پژوهشگران روشن شده بود و آن‌ها دریافته بودند که میان برخی از این زبان‌ها پیوندهای مهمی برقرار است. برای مثال، در قرن یازدهم میلادی، ابوزکریا یحیی که در متون عبری به ربی یهوذا حیوج مشهور است، از شیوه‌های گرامری عربی در مطالعه زبان عبری بهره می‌گرفت (ربحی کمال، ۱۹۶۳: ۲۴). با این‌همه، مطالعه دقیق زبان‌های سامی در گستره وسیع آن، تنها در دوره جدید امکان‌پذیر شد و در این زمان بود که پژوهشگران توانستند تا دسته‌بندی‌های نسبتاً کارآمدی از این خانواده زبانی مهم به دست دهند. از میان دسته‌بندی‌های مختلفی که از زبان‌های سامی صورت گرفته است، دو تقسیم‌بندی در میان پژوهشگران رایج‌تر و مقبول‌تر است. در دسته‌بندی نخست، زبان‌های سامی به «شرقی» و «غربی» تقسیم می‌شوند و سپس زبان‌های «غربی» به زبان‌های «شمال غربی» و «جنوبی» تقسیم می‌شوند؛ در این دسته‌بندی، عبری، کنعانی، فنیقی و موآبی در یک گروه، همراه با آرامی در گروه دیگر، همگی جزء زبان‌های شمال غربی قرار می‌گیرند و عربی به تنهایی در کنار زبان‌های «جنوب شرقی» دسته‌ی بزرگ‌تر زبان‌های «جنوبی» را شکل

1. Semitic.

می دهد<sup>۱</sup>. درعین حال، در تقسیم بندی دیگری که امروزه رایج تر است زبان های سامی به دو دسته ی «شرقی» و «غربی» تقسیم می شوند و زبان های «غربی» خود در دو زیر دسته ی زبان های «مرکزی» و «جنوبی» جای می گیرند. در این تقسیم بندی، زبان های جنوبی خود به دو دسته ی «شرقی» و «غربی» تقسیم می شوند و بدین ترتیب، دو دسته ی بزرگ «جنوب غربی» و «جنوب شرقی» را به وجود می آورند؛ بدین ترتیب، زبان عربی همراه با زبان های سامی «شمال غربی»، دسته ی بزرگ زبان های سامی «مرکزی» را تشکیل می دهند (Faber, 1997: 6). نکته ی مهمی که در هر دو دسته بندی مشاهده می شود این است که سامی «شرقی»، صرفاً شامل یک زبان، یعنی زبان «اکدی» می شود<sup>۲</sup>. دو ویژگی مهم سبب می شوند که زبان های سامی به دو دسته ی اصلی «شرقی» و «غربی» تقسیم شوند: نخست ظهور صرف فعلی پسوندی در زبان های «غربی» و دودیکر وجود عامل تحذیردهنده ی (al[al]?) در زبان های «غربی» و عدم حضور آن در زبان های «شرقی». ویژگی دوم نیازی به توضیح بیشتر ندارد؛ اما در خصوص ویژگی نخست، باید آن را خصیصه ای جدید نسبت به زبان فرضی «سامی آغازین»<sup>۳</sup> در نظر گرفت. به عبارت دیگر، در زبان بازسازی شده ی «سامی آغازین» که ریشه ی همه ی زبان های سامی در نظر گرفته می شود، صرف افعال با افزوده شدن هم زمان پیشوند و پسوند شکل می گیرد؛ اما در زبان های سامی غربی، حذف پیشوند و افزودن پسوند به ماده<sup>۴</sup> و ویژگی ای کلیدی محسوب می شود که از آن برای ساخت نمود کامل استفاده می شود (Faber, 1997: 8)<sup>۵</sup>. برای مثال، می توان صرف گذشته ی ریشه ی «ن ظ ر» را در عربی به مثابه ی یکی از زبان های سامی «غربی» با نمود کامل آن در سامی آغازین مقایسه کرد:

عربی ← نَظَرَ<sup>۶</sup> (naθ'ara): این در حالی است که در سامی آغازین که صرفاً نمودهای کامل و ناکامل<sup>۸</sup>

۱. این تقسیم بندی، تقسیم بندی رایجی است که در برخی کتاب های کلاسیک به چشم می خورد. از جمله کسانی که به چنین دسته بندی ای اشاره کرده اند می توان به بروکلیمان (Brockelmann)، موسکاتی (Moscatti) و اولندورف (Ullendorff) اشاره کرد (Faber, 1997: 5).

۲. در صورتی که زبان ابلاتی (Eblaite) را نیز که در ۱۹۷۰ میلادی کشف شد، جزء زبان های سامی شرقی محسوب کنیم؛ زبان های سامی شرقی، شامل دو زبان، یعنی اکدی و ابلاتی خواهند شد (Bennett, 1998: 65-66).

3. Proto-Semitic.

۴. چنانکه پیش تر گفته شد، زبان های سامی، زبان هایی اشتقاقی هستند و ماده های فعلی آنها بر اساس قرار گرفتن «ریشه» در قالب هایی مشخص شکل می گیرند؛ بدین ترتیب روشن است که پسوندها، تنها به ماده های ساخته شده از روی «ریشه» می توانند افزوده شوند.

۵. در این زبان ها، «نمود کامل» معمولاً در قالب «زمان گذشته» محقق می گردد.

۶. سوم شخص غائب (زمان گذشته).

۷. باید توجه کرد که فتحه ی پایانی در اینجا، به مثابه ی پسوندی در نظر گرفته می شود که شخص را مشخص می کند.

۸. مفروض است که در سامی آغازین، نمود کامل (Perfect) کنش لحظه ای یا کامل شده در زمان و نمود ناکامل (Imperfect) کنش ممتد و گسترده در زمان را بازنمایی می کنند.

و نه زمان گذشته نشان داده می‌شوند، همین ریشه با استفاده هم‌زمان از پیشوند و پسوند صرف می‌شود:  
سامی آغازین ← \*يَنْظُرُ<sup>۲</sup> (\*yanθ'uru): با این توضیحات، روشن است که عربی و اکدی در دو خانواده‌ی اصلی متفاوت از زبان‌های سامی قرار می‌گیرند و مقایسه‌ی آن‌ها می‌تواند جنبه‌های مختلفی از زبان‌های سامی را روشن سازد. در ادامه‌ی این مقاله پس از توضیح کوتاهی در خصوص دسته‌بندی زبان عربی، مقایسه‌ی عربی و اکدی در دو بخش اصلی بررسی می‌شود: نخست تمایزهای واجی موجود میان عربی و اکدی و تحولات آن‌ها نسبت به سامی آغازین و دودیدگر تمایزهای دستوری عمده، به خصوص در زمینه‌ی شمار نام و فعل.

### ۳. زبان اکدی

اکدی از زمانی در حدود دو هزار و چهارصد سال پیش از میلاد تا میانه هزاره نخست پیش از میلاد در میان دو رود باستان رایج بود و یکی از مهم‌ترین زبان‌هایی بود که در این حوزه جغرافیایی از آن استفاده می‌شد و به سرعت به یکی از مهم‌ترین زبان‌های منطقه تبدیل شد.  
برای مثال، ایلامی‌ها تا حد زیادی از این زبان متأثر شدند و علاوه بر نوشتن متن به زبان اکدی از ساختارهای آن در زبان خود نیز بهره گرفتند (شاهوردی، ۱۴۰۰). جالب آنکه بابلی‌ها و آشوری‌ها نیز زبان خود را نه بابلی یا آشوری بلکه اکدی (akkadû) می‌خواندند.  
این نام را باید مشتق از نام شهر akkad(e) دانست که سارگن اکدی در حدود دو هزار و سیصد سال پیش از میلاد بنا کرد (Huehnergard and Woods, 2008: 83).

اکدی را باید کهن‌ترین زبان سامی دانست که از آن شواهد متنی در دست است. با این همه، پس از آنکه این زبان به عنوان زبان گفتاری از میان رفت، به تدریج در محاق قرار گرفت و دیگر اطلاعی از آن در دست نبود، چراکه نه گویشوری از این زبان باقی مانده بود و نه امکان خوانش متن‌هایی وجود داشت که به این زبان نوشته شده بودند. با رمزگشایی خط میخی در قرن نوزدهم، این امکان فراهم شد تا متون اکدی نیز خوانده شوند و بدین ترتیب، حجم انبوهی از منابع اکدی نیز در دسترس پژوهشگران قرار گرفت.

---

۱. از این حیث، زبان‌های سامی شرقی یعنی اکدی و ابلائی، شباهت بیشتری به سامی آغازین دارند. چراکه برای صرف افعال در این زبان‌ها مانند سامی آغازین هم از پیشوند استفاده می‌شود و هم از پسوند؛ برای بررسی دقیق این پیشوندها و پسوندها در اکدی نگاه کنید به (Soden, 1995: 122).

۲. در اینجا، نمود کامل برای سوم شخص غائب آورده شده است که می‌تواند به زمان گذشته یا حال اشاره داشته باشد؛ باید توجه داشت که نمود ناکامل همین ریشه، برای سوم شخص غائب به صورت يَنْظُرُ (ana yanθ'ara) است.

## ۴. زبان عربی

اصطلاح «عربی» برای اشاره به دسته‌ی گسترده‌ای از زبان‌ها استفاده می‌شود که گاه همه‌ی آن‌ها در یک خانواده نیز قرار نمی‌گیرند. برای مثال، در دسته‌بندی‌های هتسرون<sup>۱</sup>، هوئنگارد<sup>۲</sup> و رودگرز<sup>۳</sup> از زبان‌های سامی، زبان عربی جنوبی قدیم<sup>۴</sup> شباهت‌های بیشتری با زبان سامی اتیوپیایی دارد تا با زبان عربی کلاسیک (Faber, 1997: 6). بدین ترتیب لازم است در این بخش توضیح داده شود که منظور از زبان «عربی» در عبارت «ویژگی‌های کهن زبان عربی» کدام دسته از زبان‌هایی است که تحت عنوان عربی شناخته می‌شوند.<sup>۵</sup>

معمولاً زبان‌های باستان جنوب غربی شبه‌جزیره عربستان را ذیل زبان‌های عربی جنوبی قدیم دسته‌بندی می‌کنند و در مقابل زبان‌های مرکزی و شمالی شبه‌جزیره عربستان و زبان‌های دشت جنوبی سوریه را تحت عنوان زبان‌های عربی شمالی قرار می‌دهند. زبان‌های عربی جنوبی قدیم در گروه زبان‌های سامی غربی و زیردسته‌ی جنوب غربی قرار می‌گیرند، درحالی‌که زبان‌های عربی شمالی در زیر دسته‌ی سامی مرکزی از گروه زبان‌های سامی غربی قرار می‌گیرند. زبان‌های عربی جنوبی قدیم به چهار دسته‌ی اصلی یعنی سبائی<sup>۶</sup>، مینائی<sup>۷</sup>، قتبانی<sup>۸</sup> و هدرامی<sup>۹</sup> تقسیم می‌شوند (Nebes and Stein, 2008: 145). در مقابل زبان‌های عربی شمالی به دو دسته‌ی اصلی یعنی عربی<sup>۱۰</sup> و عربی شمالی قدیم<sup>۱۱</sup> تقسیم می‌شوند. مهم‌ترین تمایز میان این دو گروه از زبان‌های عربی شمالی به حرف تعریف آن‌ها مربوط می‌شود که در زبان‌های عربی «ال» و در زبان‌های عربی شمالی قدیم معمولاً «ه» است (Macdonald, 2008: 179).<sup>۱۲</sup> درعین حال، خود زبان‌های عربی، به سه دسته‌ی مهم تقسیم می‌شوند: (۱) عربی قدیم، (۲) عربی کلاسیک و میانه و (۳) گویش‌های محلی. اکنون روشن است که منظور از اصطلاح عربی در این مقاله

1. Hetzron.

2. Huehnergard.

3. Rodgers.

4. Old South Arabian.

۵. روشن است که در مورد اصطلاح «اکدی» چنین ابهامی وجود ندارد و صرف اشاره به این زبان که در دسته‌ی زبان‌های سامی «شرقی» قرار می‌گیرد روشن‌گر معنای آن است.

6. Sabaic.

7. Minaic.

8. Qatabanic.

9. Hadramitic.

10. Arabic.

11. Ancient North Arabian.

۱۲. در برخی از زبان‌های شمالی قدیم، این «ه» حذف شده و در نتیجه این زبان‌ها فاقد حرف تعریف‌اند.

صرفاً زبان «عربی کلاسیک و میانه» است و نه هیچ‌یک از دیگر زبان‌هایی که تحت عنوان «عربی» شناخته می‌شوند.

### ۵. تحولات واجی<sup>۱</sup> زبان عربی و اکدی در قیاس با سامی آغازین

هم عربی و هم اکدی نسبت به زبان بازسازی‌شده‌ی سامی آغازین، تحولاتی را از سر گذرانده‌اند. در این بخش به تحولات واجی‌ای پرداخته می‌شود که در گذار از سامی آغازین به اکدی رخ داده، اما در عربی روی نداده‌اند.

در سامی آغازین سه نوع واکه‌ی <sup>۲</sup> /i/، /u/ و /a/ وجود دارد که هر کدام می‌توانند کوتاه یا بلند باشند. در مقابل، در زبان عربی و اکدی، چهار نوع واکه وجود دارد، یعنی علاوه بر سه نوع واکه‌ی موجود در سامی آغازین، واکه‌ی /e/ نیز در این دو زبان وجود دارد که آن نیز می‌تواند بلند یا کوتاه باشد؛ بنابراین به لحاظ تعداد واکه‌ها، میان عربی و اکدی تمایز خاصی وجود ندارد، اما به لحاظ واکه‌های مرکب دوگانه<sup>۳</sup> تفاوت‌هایی دیده می‌شود. واکه‌های مرکب دوگانه در سامی آغازین بر اساس ترکیب یک واکه و یک همخوان لغزان<sup>۴</sup> شکل می‌گیرند (Huehnergard, 2008: 231). این ترکیب‌ها می‌توانند شکل‌های متفاوتی به خود بگیرند؛ برای مثال دو ترکیب /iɥ/ و /uw/ نه تنها در زبان‌های عربی و اکدی، بلکه در همان زبان بازسازی‌شده‌ی سامی آغازین نیز گرایش داشته‌اند تا به صورت /i/ درآیند:

\*diyn > \*dīn

\*quwm > \*qūm

در مورد دو واکه‌ی مرکب دوگانه‌ی /ay/ و /aw/ شرایط اندکی متفاوت است. این دو واکه‌ی مرکب دوگانه در سامی آغازین و عربی بدون تغییر باقی می‌مانند، حال آنکه در زبان اکدی گرایش دارند تا به صورت /i/ و /ū/ تحول یابند<sup>۵</sup>:

۱. در اینجا تحولات آوایی منظور نخواهند شد، چراکه بازسازی دقیق آواها در زبان بدون گویشوری مانند اکدی دشوار و در زبان بازسازی‌شده‌ی مانند سامی آغازین تقریباً غیرممکن است.

2. Vowel.

۳. در زبان فارسی، معمولاً برای “Diphthong” از معادل «واکه‌ی مرکب» استفاده می‌شود؛ اما از آنجاکه در زبان‌های سامی اصطلاحی مانند “Triphthong” نیز وجود دارد که برای اشاره به گونه‌ای از واکه‌های مرکب به کار می‌رود که ترکیبی سه‌تایی را تشکیل می‌دهند؛ در اینجا از معادل «واکه‌ی مرکب دوگانه» برای “Diphthong” بهره گرفته می‌شود تا ابهام پادشده، برطرف گردد.

4. Glide Consonant.

۵. نگاه کنید به:

(Huehnergard, 2000: 231) و (Huehnergard, 2008: 232).

جدول ۱. واکه‌های مرکب دوگانه

اکدی	عربی	سامی آغازین
bītum	baytun <sup>۱</sup>	*baytum
mūtum	mawtun <sup>۲</sup>	*mawtum

برخلاف واکه‌ها، مقایسه‌ی همخوان‌های عربی و اکدی تفاوت‌های ملموس‌تری را نشان می‌دهند. در سامی آغازین بیست‌ونه همخوان وجود دارد که شباهت قابل توجهی با همخوان‌های زبان عربی دارند؛ با این همه، باید توجه داشت که علی‌رغم شباهت بسیاری از این همخوان‌ها، همه‌ی آن‌ها در این دو زبان دقیقاً مشابه یکدیگر نیستند<sup>۳</sup>؛

از سوی دیگر، در زبان اکدی تنها بیست همخوان وجود دارد که صرف وجود آن‌ها و نبود دیگر همخوان‌های زبان بازسازی‌شده‌ی سامی آغازین، نشانگر تحولات گسترده‌ی همخوانی در سیر تغییرات اکدی نسبت به سامی آغازین است. این تحولات را در چهار دسته می‌توان خلاصه کرد<sup>۴</sup>؛ دسته‌ی نخست، آن گروه از همخوان‌های سامی آغازین هستند که در گذار به اکدی به همخوان گلوبی-انفجاری<sup>۵</sup> بی‌واک همزه (ʔ) تبدیل شده‌اند؛ همخوان‌های این دسته که بیشترین تعداد از همخوان‌های تحول‌یافته‌ی سامی آغازین را تشکیل می‌دهند، عبارتند از: همخوان گلوبی-سایشی بی‌واک<sup>۶</sup> /ʔh/، همخوان‌های حلقی<sup>۷</sup> -سایشی واک‌دار<sup>۸</sup> /ʔh/، همخوان‌های حلقی-سایشی بی‌واک<sup>۹</sup> /ʔh/ و همخوان نرم‌کامی-سایشی واک‌دار<sup>۱۰</sup> /ʔh/، در مطالعات آشوری این چهار همخوان همراه با همخوان‌های همزه، یاء و واو تحت عنوان الف‌های هفت‌گانه شناخته می‌شوند و از کوته‌نوشت‌های ذیل برای اشاره به آن‌ها

۱. بیت (خانه).

۲. موت (مرگ).

۳. تفاوت عمده‌ی سامی آغازین با عربی در زمینه‌ی همخوان‌ها در دو مورد است؛ (۱) همخوان لثوی-کناری بی‌واک /ʔh/ و (۲) همخوان دولبی-انفجاری بی‌واک /p/ که هر دو در سامی آغازین وجود دارند و در عربی به ترتیب، به /f/ و /s/ تبدیل می‌شوند.

۴. در این مقاله، صرفاً به تغییرات ثابت همخوانی توجه می‌شود و تغییراتی که مشروط به شرایط خاص است مانند قانون بارث (Barth's Law) در نظر گرفته نمی‌شوند. در مورد قانون بارث نگاه کنید به (Huehnergard, 2000: 588) و در مورد واج‌های سامی آغازین نگاه کنید به (Huehnergard, 2008: 229).

5. Glottal-Stop.

۶. این همخوان معادل تقریبی همخوان «ه‌اء» در زبان عربی است.

7. Pharyngeal.

۸. این همخوان معادل تقریبی همخوان «عین» در زبان عربی است.

۹. این همخوان معادل تقریبی همخوان «ه‌اء» در زبان عربی است.

۱۰. این همخوان معادل تقریبی همخوان «غین» در زبان عربی است.



استفاده می‌شود (Huehnergard, 2000: 38):  $?1 = ?$ ,  $?2 = h$ ,  $?3 = h$ ,  $?4 = \text{ç}$ ,  $?5 = \text{ğ}$ ,  $?6 = w$ ,  $?7 = y$ ; بدین

ترتیب، می‌توان تبدیل‌های همخوانی این دسته را به صورت زیر خلاصه کرد:

$$\left. \begin{array}{l} (1) ?_2 = /h/ \\ (2) ?_3 = /h/ \\ (3) ?_4 = /ç/ \\ (4) ?_5 = /ğ/ \end{array} \right\} \longrightarrow /ʔ/$$

دسته‌ی دوم، همخوان‌هایی‌اند که در گذار از سامی آغازین به اکدی، به همخوان تأکیدی<sup>۲</sup> لثوی-انسایشی<sup>۳</sup>  $s$  تبدیل شده‌اند؛ این همخوان‌ها عبارتند از: همخوان تأکیدی لثوی-کناری<sup>۴</sup>  $ʃ$  و همخوان تأکیدی میان‌دندانی<sup>۵</sup>  $ʃ$ :

$$\left. \begin{array}{l} (5) /ʃ^5/ \\ (6) /ʃ^6/ \end{array} \right\} \longrightarrow /s/$$

دسته‌ی سوم، همخوان‌هایی هستند که در گذار از سامی آغازین به اکدی، به همخوان لثوی-سایشی بی‌واک<sup>۶</sup>  $š$  تبدیل شده‌اند؛ این همخوان‌ها عبارتند از: همخوان میان‌دندانی-سایشی بی‌واک  $ʃ$  و همخوان لثوی-کناری بی‌واک  $š$ :

$$\left. \begin{array}{l} (7) /ʃ^7/ \\ (8) /ʃ^8/ \end{array} \right\} \longrightarrow /š/$$

دسته‌ی سوم، همخوان‌هایی هستند که در گذار از سامی آغازین به اکدی، به همخوان لثوی-انسایشی واک‌دار  $z$  تبدیل شده‌اند؛ این دسته تنها شامل همخوان میان‌دندانی-سایشی واک‌دار  $š$  می‌شود:

$$(9) /š^9/ \longrightarrow /z/$$

این در حالی است که در زبان عربی، تمامی همخوان‌های سامی آغازین وجود دارند، مگر همخوان

۱. در ادامه‌ی این مقاله، برای سادگی بیشتر از همین کوتاه‌نوشت‌ها برای ارجاع به همخوان‌های یادشده استفاده می‌شود.
۲. منظور از همخوان‌های تأکیدی (Emphatic)، همخوان‌هایی هستند که در هنگام ادای آنها نوعی گرفتگی در چاکنای اتفاق می‌افتد و سپس هوا با سرعت زیاد خارج می‌شود؛ درعین حال، مکان گرفتگی اصلی در این همخوان‌ها در چاکنای نیست.
۳. معادل تقریبی این همخوان، همخوان «صاد» در زبان عربی دانست.

#### 4. Alveolar-lateral.

۵. این همخوان معادل تقریبی همخوان «ضاد» در زبان عربی است.
۶. این همخوان معادل تقریبی همخوان «طاء» در زبان عربی است.
۷. این همخوان معادل تقریبی همخوان «ثاء» در زبان عربی است.
۸. این همخوان سامی آغازین به عربی نرسیده است و در قالب واج  $š$  در واژه‌های عربی ظاهر می‌شود.
۹. این همخوان معادل تقریبی همخوان «ذال» در زبان عربی است.

لثوی - کناری بی واک /*\*š/* که به همخوان لثوی - سایشی بی واک /*š/* تبدیل شده است و همخوان دولبی - انفجاری بی واک /*\*p/* که به همخوان لبی دندانی - انفجاری بی واک /*f/* تبدیل شده است. البته باید توجه داشت که این سخن به معنای آن نیست که هر همخوان سامی آغازین دقیقاً به همخوانی معادلی در عربی تبدیل شده است. برای مثال، همخوان لثوی - سایشی بی واک /*š/* در گذار به عربی، به صورت انسایشی درآمده است. از آنچه گفته شد، نتیجه می شود که عربی هشت همخوان از همخوان های سامی آغازین را که در اکدی از میان رفته اند، حفظ کرده است؛ در اینجا، برای هر یک از همخوان های سامی آغازینی که در اکدی تحول یافته، اما در عربی حفظ شده اند، مثالی آورده می شود تا نشان داده شود چگونه عربی نسبت به اکدی قرابت همخوانی بیشتری با زبان بازسازی شده ی سامی آغازین دارد<sup>۱</sup>:

جدول ۲. مثال هایی برای همخوان های سامی آغازین محذوف در اکدی

ردیف	سامی آغازین	عربی	اکدی
1	*nahrum	nahrūn <sup>3</sup>	nārum <sup>2</sup>
2	*ḥadāθum	ḥadāθatun <sup>5</sup>	edēšum <sup>4</sup>
3	*ba'lum	ba'lun <sup>6</sup>	bēlum
4	*ḡarābum	ḡurūbun <sup>7</sup>	erēbum
5	*arš'atum	'arš'un <sup>8</sup>	eršetum
6	*θ'illum	θ'illum <sup>9</sup>	šillum
7	*θawrum	θawrun <sup>10</sup>	šūrum
8 <sup>12</sup>	*uḏnum	uḏnun <sup>11</sup>	uznum

۱. برای این مثال ها نگاه کنید به (Caplice, 2002: 88-93) و (Huehnergard, 2000: 587-591).
۲. در گذار از سامی آغازین به اکدی، در صورتی که الف های هفت گانه (P<sub>1-7</sub>) پیش یا پس از همخوانی قرار گیرند؛ پیش از حذف شدن، سبب می شوند تا واکه ای که بلافاصله پیش از آنها قرار دارد، کشیده شود (Huehnergard, 2000: 38).
۳. نهر (رود).
۴. در گذار از سامی آغازین به اکدی، الف های سوم، چهارم و پنجم (P<sub>3-5</sub>) پیش از حذف شدن، سبب می شوند واکه ی (a) به (e) و واکه ی کشیده ی (ā) به (ē) تبدیل شود (Huehnergard, 2000: 40).
۵. حدائة (نوبودن).
۶. بعل (بعل، سرور).
۷. غروب (غروب کردن).
۸. أرض (زمین).
۹. ظلل (سایه).
۱۰. ثور (گاو نر).
۱۱. اذن (گوش).
۱۲. تحول همخوانی (8)، در عربی نیز مشابه با اکدی روی داده و نمی توان مثالی یافت که همخوان /*\*š/* در عربی حفظ شده باشد.

## ۶. تحولات دستوری عربی و اکدی نسبت به سامی آغازین

تغییرات عمده‌ای را که در ساختار دستور زبان عربی و اکدی نسبت به سامی آغازین رخ داده است می‌توان در دو سطح بررسی کرد: (۱) تحولات دستوری «نام»‌ها و (۲) تغییرات دستوری در حوزه‌ی «فعل».

در بررسی تحولات دستوری «نام»‌ها، همچنان عربی نسبت به اکدی، مشابهت بیشتری را با سامی آغازین نشان می‌دهد.

در زبان فرضی سامی آغازین، نام‌ها یا مذکرنند و یا مؤنث و در وضعیت آزاد<sup>۱</sup>، سه حالت نهادی<sup>۲</sup>، مفعولی<sup>۳</sup> و اضافی<sup>۴</sup> را می‌توانند داشته باشند و از لحاظ شمار، حالت‌های صرفی متمایزی برای مفرد، مثنی و جمع را نشان می‌دهند که تا حد زیادی مشابه با عربی است؛ این در حالی است که تحولات زبان‌شناختی سریع در اکدی سبب شد که پس از دوره‌ی بابلی کهن، شمار مثنی در صرف نام‌ها، کاربرد محدودی داشته باشد و جز در مورد چیزهایی که به‌طور طبیعی زوج هستند، مانند اعضاء زوج بدن (چشم، گوش و غیره) و برخی کاربردهای خاص، به کنار گذاشته شود (Huehnergard, 2000: 8-9).

گرایش به حذف شمار مثنی در صرف «نام»‌ها که پس از دوره‌ی بابلی کهن در زبان اکدی به‌طور کامل ظهور می‌یابد، در واقع نشانی از حرکت کلی زبان اکدی به‌سوی ساده‌تر شدن است. به عبارت بهتر، این از دست رفتن صرف مثنی نام‌ها، همگام با گرایش زبان اکدی در کنار گذاشتن کامل شمار مثنی از زبان است؛ امری که پیش از صرف نام‌ها، به‌نحو کامل در ضمائر شخصی و صرف فعلی اتفاق می‌افتد.

در گذار از سامی آغازین به اکدی، شمار مثنی از ضمائر شخصی (چه متصل و چه منفصل)، به‌طور کامل کنار گذاشته می‌شود و تنها ضمائر مفرد و جمع باقی می‌مانند، اتفاقی که در زبان عربی، حتی پس از چند هزاره رخ نمی‌دهد؛ برای مثال، در جدول زیر به‌خوبی می‌توان تمایز اکدی با زبان بازسازی‌شده‌ی سامی آغازین و عربی را در خصوص ضمائر شخصی منفصل مشاهده کرد:<sup>۵</sup>

1. Status Rectus.
2. Nominative.
3. Accusative.
4. Genitive.

۵. در اینجا برای اختصار، صرفاً ضمائر شخصی منفصل در حالت نهادی ذکر می‌شوند؛ برای اطلاع از ضمائر منفصل اکدی در حالت اضافی، مفعولی و برایی (Dative)، همچنین ضمائر متصل شخصی در همین حالت‌ها، نگاه کنید به (Soden, 1995: 51-55).

جدول ۳. ضمایر منفصل شخصی

	شخص	سامی آغازین <sup>۱</sup>	عربی	اکدی
مفرد	اول شخص	*?ana(:), *?anāku(:)	?ana	anāku
	دوم شخص مذکر	*?anta(:)	?anta	attā <sup>2</sup>
	دوم شخص مؤنث	*?anti(:)	?anti	attī
	سوم شخص مذکر	*su?a	huwa	ūš
	سوم شخص مؤنث	*si?a	hiya	īš
مثنی	اول شخص	?	—	—
	دوم شخص	antumā <sup>2</sup> *	antumā <sup>2</sup>	—
	سوم شخص	*sumā	humā	—
جمع	اول شخص	niḥn(:)	naḥnu	nīnu
	دوم شخص مذکر	antum <sup>2</sup>	antum <sup>2</sup>	attunu
	دوم شخص مؤنث	antin <sup>2</sup>	antunna <sup>2</sup>	attina
	سوم شخص مذکر	sum	hum	unuš
	سوم شخص مؤنث	sin	hunna	inaš

۱. در خصوص ضمایر منفصل و متصل شخصی در سامی آغازین رجوع کنید به (Huehnergard, 2008: 237).
۲. /n/ در اکدی، پیش از هر همخوانی قرار بگیرد به آن همخوان تبدیل می‌شود (به‌جز برخی استثناءها)؛ چنانکه در اینجا دیده می‌شود، در سیر تحول سامی آغازین به اکدی، به دلیل آنکه /n/ در ضمیر ”\*?anta(:)“ پیش از /t/ قرار گرفته است، به /t/ تبدیل شده و بدین ترتیب /t/ مشدد گردیده و این ضمیر به‌صورت ”attā“ درآمده است. در واقع، حفظ واج /n/ پیش از دیگر همخوان‌ها، به‌خصوص در ضمایر، یکی از ویژگی‌های کهن زبان عربی است که در بسیاری از زبان‌های سامی دیده نمی‌شود. در عبری نیز همانند اکدی، تبدیل واج /n/ در همخوان بعدی، به‌خصوص در ضمایر رایج است؛ برای مثال، در عبری ضمیر دوم شخص مفرد مذکر سامی آغازین ”\*?anta(:)“ به صورت ”\*attāh“ و ضمیر دوم شخص مفرد مؤنث سامی آغازین ”\*?anti(:)“ به صورت ”\*att“ درآمده است (Lambdin, 1971: 82). در عربی نیز تمایلی در جهت تبدیل /n/ به همخوان بلافصل بعدی‌اش، در برخی موارد دیده می‌شود؛ در واقع، پدیده‌ی ادغام نون تنوین یا نون ساکن در حرف بعدی، پیش از حروف «یرملون» را باید پدیده‌ای مشابه با همان قاعده‌ای دانست که در اکدی رایج بوده است.

	شخص	سامی آغازین <sup>۱</sup>	عربی	اکدی
مفرد	اول شخص	* <sup>?</sup> ana(:), * <sup>?</sup> anāku(:)	<sup>?</sup> ana	anāku
	دوم شخص مذکر	* <sup>?</sup> anta(:)	<sup>?</sup> anta	attā <sup>2</sup>
	دوم شخص مؤنث	* <sup>?</sup> anti(:)	<sup>?</sup> anti	attī
	سوم شخص مذکر	*su <sup>?</sup> a	huwa	ūš
	سوم شخص مؤنث	*si <sup>?</sup> a	hiya	īš
مثنی	اول شخص	?	—	—
	دوم شخص	antumā <sup>?</sup> *	antumā <sup>?</sup>	—
	سوم شخص	*sumā	humā	—
جمع	اول شخص	niḥn(:)	naḥnu	nīnu
	دوم شخص مذکر	antum <sup>?</sup>	antum <sup>?</sup>	attunu
	دوم شخص مؤنث	antin <sup>?</sup>	antunna <sup>?</sup>	attina
	سوم شخص مذکر	sum	hum	unuš
	سوم شخص مؤنث	sin	hunna	inaš

۱. در خصوص ضمایر منفصل و متصل شخصی در سامی آغازین رجوع کنید به (Huehnergard, 2008: 237).
۲. /n/ در اکدی، پیش از هر همخوانی قرار بگیرد به آن همخوان تبدیل می‌شود (به‌جز برخی استثناءها)؛ چنانکه در اینجا دیده می‌شود، در سیر تحول سامی آغازین به اکدی، به دلیل آنکه /n/ در ضمیر "<sup>?</sup>anta(:)" پیش از /t/ قرار گرفته است، به /t/ تبدیل شده و بدین ترتیب /t/ مشدد گردیده و این ضمیر به‌صورت "attā<sup>?</sup>" درآمده است. در واقع، حفظ واج /n/ پیش از دیگر همخوان‌ها، به‌خصوص در ضمایر، یکی از ویژگی‌های کهن زبان عربی است که در بسیاری از زبان‌های سامی دیده نمی‌شود. در عبری نیز همانند اکدی، تبدیل واج /n/ در همخوان بعدی، به‌خصوص در ضمایر رایج است؛ برای مثال، در عبری ضمیر دوم شخص مفرد مذکر سامی آغازین "<sup>?</sup>anta(:)" به صورت "<sup>?</sup>attāh" و ضمیر دوم شخص مفرد مؤنث سامی آغازین "<sup>?</sup>anti(:)" به صورت "<sup>?</sup>att" درآمده است (Lambdin, 1971: 82). در عین حال، در عربی نیز تمایلی در جهت تبدیل /n/ به همخوان بلافصل بعدی‌اش، در برخی موارد دیده می‌شود؛ در واقع، پدیده‌ی ادغام نون تونین یا نون ساکن در حرف بعدی، پیش از حروف «یرملون» را باید پدیده‌ای مشابه با همان قاعده‌ای دانست که در اکدی رایج بوده است.

	شخص	سامی آغازین <sup>۱</sup>	عربی	اکدی
مفرد	اول شخص	*?ana: ()، *?anāku: ()	?ana	anāku
	دوم شخص مذکر	*?anta: ()	?anta	attā <sup>۲</sup>
	دوم شخص مؤنث	*?anti: ()	?anti	attī
	سوم شخص مذکر	*su'a	huwa	ūš
	سوم شخص مؤنث	*si'a	hiya	īš
مثنی	اول شخص	?	—	—
	دوم شخص	antumā <sup>۲</sup> *	antumā <sup>۲</sup>	—
	سوم شخص	*sumā	humā	—
جمع	اول شخص	niḥn: ()	naḥnu	nīnu
	دوم شخص مذکر	antum <sup>۲</sup>	antum <sup>۲</sup>	attunu
	دوم شخص مؤنث	antin <sup>۲</sup>	antunna <sup>۲</sup>	attina
	سوم شخص مذکر	sum	hum	unuš
	سوم شخص مؤنث	sin	hunna	inaš

تغییر مهمی که در گذار از سامی آغازین به اکدی در صرف فعل‌ها رخ می‌دهد، حذف شمار مثنی است. این در حالی است که در زبان عربی، برخلاف بسیاری از زبان‌های سامی صرف مثنی افعال باقی می‌ماند. تفاوت عمده‌ی صرف افعال در زبان عربی نسبت به سامی آغازین، چنانکه در مقدمه همین مقاله نیز به آن اشاره شد در حذف پیشوند از ابتدای ماده‌هایی است که برای نشان دادن «نمود کامل» به کار می‌روند.

۱. در خصوص ضمائر منفصل و متصل شخصی در سامی آغازین رجوع کنید به (Huehnergard, 2008: 237).  
 ۲. /n/ در اکدی، پیش از هر همخوانی قرار بگیرد به آن همخوان تبدیل می‌شود (به‌جز برخی استثناءها)؛ چنانکه در اینجا دیده می‌شود، در سیر تحول سامی آغازین به اکدی، به دلیل آنکه /n/ در ضمیر "anta(:)" پیش از /t/ قرار گرفته است، به /t/ تبدیل شده و بدین ترتیب /t/ مشدد گردیده و این ضمیر به‌صورت "attā" درآمده است. در واقع، حفظ واج /n/ پیش از دیگر همخوان‌ها، به‌خصوص در ضمائر، یکی از ویژگی‌های کهن زبان عربی است که در بسیاری از زبان‌های سامی دیده نمی‌شود. در عبری نیز همانند اکدی، تبدیل واج /n/ در همخوان بعدی، به‌خصوص در ضمائر رایج است؛ برای مثال، در عبری ضمیر دوم شخص مفرد مذکر سامی آغازین "anta(:)" به صورت "attāh\*" و ضمیر دوم شخص مفرد مؤنث سامی آغازین "anti(:)" به صورت "att" درآمده است (Lambdin, 1971: 82). درعین حال، در عربی نیز تمایلی در جهت تبدیل /n/ به همخوان بلافصل بعدی‌اش، در برخی موارد دیده می‌شود؛ در واقع، پدیده‌ی ادغام نون تئوین یا نون ساکن در حرف بعدی، پیش از حروف «یرملون» را باید پدیده‌ای مشابه با همان قاعده‌ای دانست که در اکدی رایج بوده است.

در زبان سامی آغازین برای نشان دادن «نمود کامل» و «نمود ناکامل» از دو نوع ماده‌ی فعلی استفاده می‌شود که هر دو نوع ماده، پیشوندها و پسوندهای یکسانی می‌گیرند؛ این، درحالی است که در زبان عربی، مانند دیگر زبان‌های سامی غربی، «نمود کامل» سامی آغازین با از دست دادن پیشوند، برای دلالت بر زمان گذشته به کار گرفته می‌شود و تنها در صرف افعال مضارع است که پیشوندهای یادشده، خود را نشان می‌دهند.

جدول ۴. صرف فعل

	شخص	سامی آغازین <sup>۳</sup>	عربی <sup>۲</sup>	اکدی <sup>۱</sup>
مفرد	اول شخص	*anθ'ur	naθ'artu	ašsur <sup>۴</sup>
	دوم شخص مذکر	*tanθ'ur	naθ'arta	tašsur
	دوم شخص مؤنث	*tanθ'urī	naθ'arti	tašsurī
	سوم شخص مذکر	*yanθ'ur	naθ'ara	išsur <sup>۵</sup>
	سوم شخص مؤنث	*tanθ'ur	naθ'arat	
مثنی	دوم شخص	*tanθ'urā	naθ'artumā	—
	سوم شخص مذکر	*yanθ'urā	naθ'arā	—
			naθ'aratā	—
جمع	اول شخص	*nanθ'ur	naθ'arnā	nišsur
	دوم شخص مذکر	*tanθ'urū	naθ'artum	tašsurā
	دوم شخص مؤنث	*tanθ'urna: ()	naθ'artunna	
	سوم شخص مذکر	*yanθ'urū	naθ'arū	išsurū
	سوم شخص مؤنث	*yanθ'urna(:)	naθ'arna	išsurā

با نگاه به جدول بالا به‌خوبی روشن می‌شود که اکدی هیچ نشانی از شمار مثنی در صرف افعال ندارد؛ در مقابل، عربی با گسترش صرف افعال نسبت به سامی آغازین، صرف ویژه‌ای را به مثنی مؤنث

۱. چنانکه پیش‌تر گفته شد، همخوان تأکید میان‌دندانی /θ/ در تحولات واجی گذار از زبان سامی آغازین به اکدی، به همخوان تأکید لثوی-انسایشی تبدیل شده است؛ بدین ترتیب، ریشه‌ی سامی آغازین "n θ' r" در اکدی، با حفظ معنای اصلی «محافظة کردن» به "n θ' r" تبدیل شده است.

۲. «نظّر ل» در عربی معنایی معادل با معنای اصلی ریشه‌ی "n θ' r" در سامی آغازین، یعنی «محافظة کردن» دارد.

۳. در مورد ریشه‌ی "n θ' r" در سامی آغازین و صرف آن نگاه کنید به (Huehnergard, 2008: 238).

۴. این واژه در اصل "anšur" بوده است که به‌سبب واقع شدن /n/ پیش از /s/ به صورت "ašsur" در آمده است؛

۵. "ya" سامی آغازین در اکدی به "yi" و سپس به "i" تبدیل می‌شود مانند "idum" > "yidum" > "yadum" که همان «ید» عربی، به معنای «دست» است؛

غائب اختصاص داده است و بدین ترتیب شمار مثنی را خاص‌تر گردانیده است. علاوه بر این، ویژگی سادگی صرفی‌ای که پیش‌ازاین به‌عنوان گرایشی مهم در صرف افعال اکدی نسبت به سامی آغازین، به آن اشاره شد، خود را به‌خوبی در عدم تفاوت جنسی (مذکر و مؤنث) در صرف سوم شخص مفرد غائب و دوم شخص جمع مخاطب افعال اکدی نشان می‌دهد.

## ۷. ساختار جمله

یکی از تمایزات مهم اکدی با سامی آغازین و عربی، جابه‌جایی اجزاء جمله و تغییر نظم طبیعی جملات است. در حالی که در سامی آغازین و عربی، معمولاً ساختار جمله‌های فعلیه با نظم فعل - فاعل - مفعول<sup>۱</sup> (VSO) همراه است. در اکدی، این ساختار اغلب به صورت فاعل - مفعول - فعل<sup>۲</sup> (SOV) درمی‌آید. به‌عبارت‌دیگر، در زبان عربی غالباً چنین است که جمله‌های فعلیه با فعل آغاز می‌شوند و پس از فعل، فاعل می‌آید و در نهایت مفعول ذکر می‌شود (البته در شرایط خاصی که در غالب کتاب‌های دستور زبان ذکر می‌شود، مفعول می‌تواند بر فاعل مقدم شود، اما مطلقاً نمی‌تواند پیش از فعل بیاید). این در حالی است که در زبان اکدی، فعل نه در ابتدای جمله، بلکه در انتهای آن آورده می‌شود. ظهور چنین پدیده‌ای در اکدی، نه تحولی درون‌زا بلکه متأثر از زبان سومری و ویژگی‌های آن دانسته شده است<sup>۳</sup> (Huehnergard and Woods, 2008: 128).

## ۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

زبان اکدی که جزء کهن‌ترین زبان‌های سامی محسوب می‌شود نزدیک به سه هزار سال پیش از عربی کلاسیک، تحولات زبان‌شناختی سریعی نسبت به زبان سامی آغازین را پشت سر گذاشت؛ در مقابل، عربی کلاسیک بسیاری از ویژگی‌های اصلی زبان سامی آغازین را حفظ کرد. مقایسه‌ی ویژگی‌های این دو زبان با سامی آغازین به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه زبانی، در اثر تحولاتی سریع و گسترده، بسیاری از ویژگی‌های پیشین خود را از دست می‌دهد و در مقابل، در زبانی دیگر از همان خانواده، همان ویژگی‌ها به بهترین شکل حفظ می‌شوند. مهم‌ترین این ویژگی‌ها را می‌توان حفظ همخوانی‌های سامی آغازین /h/، /h/، /θ/، /θ/، /g/، /g/، /δ/ در عربی و حذف آن‌ها در اکدی دانست. از دیگر ویژگی‌های کهن زبان عربی در

1. Verb, Subject, Object.

2. Subject, Object, Verb.

۳. از میان سایر زبان‌های سامی، ظاهراً تنها در زبان اتیوپیایی نو است که ترتیب (VSO) رعایت نمی‌شود. در این مورد نیز، پژوهشگران تغییر ترتیب ساختاری سامی (VSO) را ناشی از تأثیرات زبان‌های بیگانه دانسته‌اند. در این زمینه نگاه کنید به (Huehnergard and Woods, 2008: 128).



قیاس با اکدی می‌توان به حفظ شمار مثنی در قالب ضمائر شخصی، صرف نام‌ها و افعال و همچنین ساختار جمله‌های فعلیه در قالب فعل - فاعل - مفعول اشاره کرد. از آنچه در این مقاله گفته شد، نتیجه می‌شود که عربی با آنکه، به لحاظ زمانی، متأخرتر نسبت به اکدی است، اما به لحاظ حفظ برخی ویژگی‌های اصلی زبان سامی آغازین بر اکدی تقدم دارد. به عبارت دیگر، آنچه از مقایسه‌ی برخی ویژگی‌های اصلی این دو زبان که در این مقاله آمد، به دست می‌آید عدم انطباق تقدم و تأخر تاریخی با تقدم و تأخر زبان‌شناختی در مورد زبان‌های اکدی و عربی است.

## منابع

- ربحی کمال (۱۹۶۳)، *دروس اللغة العبرية*، دمشق: مطبعة جامعة دمشق.
- شاهوردی، امین (۱۴۰۰). «نامه‌های ایلامی و تأثیر زبان اکدی بر آن‌ها»، مجموعه مقالات چهارمین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- Bennett, Patrick R. (1998). *Comparative Semitic Linguistics: A Manual*, Indiana: Eisenbrauns.
- Caplice, Richard (2002). *Introduction to Akkadian*, Studia Pohl, Series Maior 9. Rome: Pontifical Biblical Institute.
- Faber, Alice (1997). "Genetic Subgrouping of the Semitic Languages", in *The Semitic Languages*, ed. Robert Hetzron, Routledge.
- Huehnergard, John (2008). "Afro-Asiatic", in *The Ancient Languages of Syria-Palestine and Arabia*, ed. Roger D. Woodard, New York: Cambridge University Press, pp. 225-246.
- Huehnergard, John (2000). *A Grammar of Akkadian*. Harvard Semitic Studies 45. Atlanta: Scholars Press.
- Huehnergard, John and Christopher Woods (2008). "Akkadian and Eblaite", in *The Ancient Languages of Mesopotamia, Egypt and Aksum*, ed. Roger D. Woodard, New York: Cambridge University Press, pp. 83-152.
- Lambdin, Thomas O. (1971). *Introduction to Biblical Hebrew*. New York: Scribners.
- Macdonald, M. C. A (2008). "Ancient North Arabian", in *The Ancient Languages of Syria-Palestine and Arabia*, ed. Roger D. Woodard, New York: Cambridge University Press, pp. 179- 224.
- Nebes, Norbert and Peter Stein (2008). "Ancient North Arabian", in *The Ancient Languages of Syria-Palestine and Arabia*, ed. Roger D. Woodard, New York: Cambridge University Press, pp. 145-178.
- Soden, W. von (1995). *Grundriss der Akkadischen Grammtik*. Analecta Orientalia 33. Rome: Pontifical Biblical Institute.